

جمعه ها منتشر میشود

کمرنگت ۳۳

مرکز کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۹ فروردین ۱۳۸۴ - ۸ آوریل ۲۰۰۵

www.hekmatist.com سردبیر: اعظم کم‌گویان

نه!

این جشن ما نیست!

در آن شرکت نکنید!

آنکس که باد می‌کارد توفان درو خواهد کرد!

رئیس جمهور شدن جلال طالبانی در عراق اوج آرزوی ناسیونالیسم کرد را به نمایش گذاشته است. خانه خرابی مردم عراق و کشتار کودکان این کشور در نتیجه دوازده سال محاصره اقتصادی، اشغال عراق و گسیختگی تمام شیرازه مدنی جامعه عراق و تباهی فیزیکی و معنوی مردم در عراق قیمتی است که مردم عراق برای ریاست جمهوری طالبانی پرداخته اند. جشنی که امروز ناسیونالیست‌های کرد به بهانه آن مردم را در چند شهر کردستان ایران به خیابانها کشیده اند، جشن ما نیست. جشن ناسیونالیسم کرد است. در آن نباید شرکت کرد!

مردم کردستان!

در این جشن حقارت شرکت نکنید! کسی که امروز حاضر میشود به قیمت تحقیر و خانه خرابی یک جامعه به جایی برسد، دارد، نفرت و کینه قومی را دامن میزند. باد می‌کارد و فردا طوفان درو خواهد کرد. ریاست جمهوری طالبانی بر پیه ای از ایجاد عمیق ترین نفرت قومی بنا شده است. طالبانی و ناسیونالیست های کرد همراه تمام دارو دسته های ارتجاعی در عراق این جامعه را به کام یکی از عظیم ترین تراژدی های انسانی کشیده اند. جامعه عراق در آستانه یک فاجعه عظیم تر است. نباید در خلق این فاجعه و گسترش آن به ایران شرکت کرد.

مردم!

اعتراض علیه جمهوری اسلامی، به حق ترین کاری است که ما باید انجام دهیم. قیام علیه جمهوری اسلامی و درهم کوبیدن کل دستگاه جنایت اسلامی مهمترین کاری است که باید انجام دهیم. اما باید با چشم باز انتخاب کرد. جدال ما برای ساختن یک دنیای آزاد، یک دنیای خوشبخت و یک دنیای بهتر است. این با آنچه در عراق میگذرد یک دنیا فاصله دارد. ما باید جنگ و قیام خودمان را بکنیم. فریب ناسیونالیست ها را نخورید. به این جشن و پایکوبی نپیوندید!

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
کوروش مدرسی

۱۷ فروردین ۱۳۸۴ - ۷ آوریل ۲۰۰۵

خانه ای روی بمب

در رابطه با انتخاب جلال

طالبانی به ریاست جمهوری

عراق

مصاحبه کمونیست با کورش مدرسی



کمونیست: جلال طالبانی رئیس جمهور عراق شد، آیا این پیروزی یک جنبش علیه دیگری است؟ آیا میتوان ادعا کرد که اسلام سیاسی باخت؟

کوروش مدرسی: اصلا چنین ادعائی را نمیشود کرد. رئیس جمهور شدن طالبانی یک

koorosh.modarresi@gmail.com

پدیده موقت و نمایانگر یک تناسب قوای موقت است. ناسیونالیسم کرد به عکس جریانات اسلامی و ناسیونالیسم عرب، ادعا و ظرفیت سیاسی و ایدئولوژیک حکومت بر عراق را ندارد. جلال طالبانی در عراق نماینده هیچ جنبش سراسری نیست و رئیس جمهور شدن ایشان هم علامت

پیروزی بر یک جنبش سراسر، یعنی جریانی مثل اسلامی ها، نیست. طالبانی نماینده یک زیر مجموعه از ناسیونالیسم کرد (اتحادیه میهنی کردستان) است، که خود در یک تناسب قوای شکننده با سایر اجزای آن به سر میبرد. جناح های مختلف ناسیونالیسم

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کرد، به کرات در رقابت با هم با دولت عراق علیه دیگری متحد شده اند. ریاست جمهوری طالبانی یک تناسب قوای موقت است. اگر وضع همینطور پیش برود متاسفانه فاجعه اصلی در عراق هنوز در راه است.

انتخاباتی که آمریکا در عراق سرهم بندی کرد، همانطور که پیش بینی کرده بودیم منجر به یک پیروزی برای اسلام سیاسی شد. جنوب عراق رسماً تحویل جریانان اسلامی داده شد، رسماً بعنوان نیروی اصلی سیاسی عراق به رسمیت شناخته شدند. امروز حاضر به پذیرش یک سازش موقت با ناسیونالیسم کرد شده اند. مهمترین دلایل موقت بودن این سازش اینست که اولاً موقعیت کنونی عراق محصول یک تناسب قوای میان نیروهای سیاسی عراق نیست. محصول حضور آمریکا در عراق است و این حضور نه میتواند دائمی باشد و نه اوضاع و احوال نشان میدهد که دائمی خواهد بود. عراق نمیتواند طولانی مدت یک کشور اشغال شده باقی بماند. در نتیجه دیر یا زود جامعه عراق طی یک دوره متلاطم دیگری به سمت شرایط پایدار تر سوق خواهد کرد.

فدارلیسم قومی در عراق، در کشوری که به "همت" ناسیونالیست های کرد و عرب هر "قوم" خوشبختی خود را بر اساس ذلت دیگری استوار کرده است، یک پدیده ناممکن است. آنچه امروز در عراق حاکم است نفرت قومی است. نفرتی که هیچگاه به اندازه امروز عمیق، سیاه و خون آلود نبوده است. ناسیونالیسم عرب سالها کردستان را به خون کشیده است و ناسیونالیسم کرد، در زجر و کشتن تدریجی مردم عراق طی محاصره اقتصادی در ده گذشته و بالاخره در جریان اشغال عراق توسط آمریکا شریک بوده است. هر دو ناسیونالیسم کل مردم بیگانه "طرف دیگر" را مسئول اعلام میکنند. امروز رسماً در بسیاری از مناطق عراق اگر بدانند کرد هستند میکشند تان و در مناطق دیگری اگر بدانند عرب هستند این بلا را سرتان در می آورند.

دارد. این راه ها اینها هستند: اول سلطه مجدد جریان ناسیونالیستی عرب (بعثی ها چیزی شبیه آنها). اینها بالقوه میتوانند مانند دوره صدام با سرکوب و قتل عام مردم در عراق و در کردستان مجدد عراق را "یکپارچه" کنند و اوضاع با ثبات تری را بوجود آورند. امروز به دنبال شکست این جریان در مقابل آمریکا و نفرت مردم از حکومت صدام این نیرو ضعیف است اما در شرایط استیصال ناشی از گسیختگی اوضاع بناید طولانی مدت روی این ضعف حساب باز کرد. راه حل دوم - تاسیس یک جمهوری اسلامی در عراق است. این یکی به سبک جمهوری اسلامی ایران با سرکوب خونین مردم میتواند، ایضا بالقوه، حکومت خود را بر تمام عراق تحمیل کند. اگر امروز به این کار اقدام نمیکند هنوز آمادگی کافی را پیدا نکرده است. هنگامی که این آمادگی پیدا شود، یعنی تناسب قوا تغییر کند، جریان اسلامی هیچ قراردادی را به رسمیت نخواهد شناخت. قدرت مثل همیشه از لوله تفنگ اصلی جامعه به سرعت در حال تغییر آن هستند و این اجرای این امکان

آزاد است که غیر قومی، غیر مذهبی، آزاد است که بنیاد خود را بر دخالت مستقیم مردم در حکومت و کوتاه کردن دست آمریکا، ناسیونالیسم عرب و کرد و همینطور جریانات اسلامی از زندگی مردم عراق گذاشته باشد. این هم یک جنبشی است که میتواند کل عراق را به یک ثبات برساند. بالاخره راه دیگر جدا شدن کردستان از عراق و کلا تغییر جغرافیای قومی عراق است. در این مسیر هم مردم در کردستان عراق و در بخش غرب نشین عراق باید هر یک تکلیف خود را با ناسیونالیست های خود روشن کنند. این امکان بوجود می آید که نفوذ ناسیونالیسم بر مردم کاهش یابد، جدال، کشمکش و تهدیدات قومی کاهش یابد و مردم هر یک از بخش های عراق بتوانند در تعیین سیر آینده خود دخالت کنند.

کورش مدرسی: اشاره کردم که ناسیونالیسم کرد بنا به تعریف نمیتواند عراق را "یکپارچه" کند. برای این کار ناسیونالیسم کرد باید ادعا کند که بصره و بغداد "مال" این "کردها" است. این ادعائی است که ناسیونالیسم عرب بر سلیمانیه و هولیر دارد. ناسیونالیسم کرد جنبش و استقلال کردستان از اهمیت بیشتری برخوردار است. کسی نیست. جنبش و ایدئولوژی شریک شدن در قدرت است. همین. حتی امروز در کردستان جرات طرح استقلال کردستان را هم ندارد. اگر آمریکا و جنگ خلیج نبود باشد. مادام که امروز طالبانی و بارزانی در تهران یا اسلامی ها در عراق جای دیگری دور از عراق بودند. استقلال کردستان ناسیونالیسم کرد دارد به سبب همیشه لای شکاف دولت های منطقه، که امروز آمریکا هم به آن اضافه شده، زندگی میکند. این شکاف ها باز و بسته میشوند و همراه آن ناسیونالیسم کرد بالا

تناسب قوا به زودی تغییر میکند. موقعت امروز این یک موقعت گذرا است.

کمونیسیت: آیا جلال طالبانی امکان یکپارچه کردن دولت عراق تحت پوشش ناسیونالیسم کرد را دارد؟ این امکان پذیر است؟

کورش مدرسی: اشاره کردم که ناسیونالیسم کرد بنا به تعریف نمیتواند عراق را "یکپارچه" کند. برای این کار ناسیونالیسم کرد باید ادعا کند که بصره و بغداد "مال" این "کردها" است. این ادعائی است که ناسیونالیسم عرب بر سلیمانیه و هولیر دارد. ناسیونالیسم کرد جنبش و استقلال کردستان از اهمیت بیشتری برخوردار است. کسی نیست. جنبش و ایدئولوژی شریک شدن در قدرت است. همین. حتی امروز در کردستان جرات طرح استقلال کردستان را هم ندارد. اگر آمریکا و جنگ خلیج نبود باشد. مادام که امروز طالبانی و بارزانی در تهران یا اسلامی ها در عراق جای دیگری دور از عراق بودند. استقلال کردستان ناسیونالیسم کرد دارد به سبب همیشه لای شکاف دولت های منطقه، که امروز آمریکا هم به آن اضافه شده، زندگی میکند. این شکاف ها باز و بسته میشوند و همراه آن ناسیونالیسم کرد بالا

کمونیسیت: آیا جلال طالبانی امکان یکپارچه کردن دولت عراق تحت پوشش ناسیونالیسم کرد را دارد؟ این امکان پذیر است؟

کورش مدرسی: اشاره کردم که ناسیونالیسم کرد بنا به تعریف نمیتواند عراق را "یکپارچه" کند. برای این کار ناسیونالیسم کرد باید ادعا کند که بصره و بغداد "مال" این "کردها" است. این ادعائی است که ناسیونالیسم عرب بر سلیمانیه و هولیر دارد. ناسیونالیسم کرد جنبش و استقلال کردستان از اهمیت بیشتری برخوردار است. کسی نیست. جنبش و ایدئولوژی شریک شدن در قدرت است. همین. حتی امروز در کردستان جرات طرح استقلال کردستان را هم ندارد. اگر آمریکا و جنگ خلیج نبود باشد. مادام که امروز طالبانی و بارزانی در تهران یا اسلامی ها در عراق جای دیگری دور از عراق بودند. استقلال کردستان ناسیونالیسم کرد دارد به سبب همیشه لای شکاف دولت های منطقه، که امروز آمریکا هم به آن اضافه شده، زندگی میکند. این شکاف ها باز و بسته میشوند و همراه آن ناسیونالیسم کرد بالا

کورش مدرسی: اشاره کردم که ناسیونالیسم کرد بنا به تعریف نمیتواند عراق را "یکپارچه" کند. برای این کار ناسیونالیسم کرد باید ادعا کند که بصره و بغداد "مال" این "کردها" است. این ادعائی است که ناسیونالیسم عرب بر سلیمانیه و هولیر دارد. ناسیونالیسم کرد جنبش و استقلال کردستان از اهمیت بیشتری برخوردار است. کسی نیست. جنبش و ایدئولوژی شریک شدن در قدرت است. همین. حتی امروز در کردستان جرات طرح استقلال کردستان را هم ندارد. اگر آمریکا و جنگ خلیج نبود باشد. مادام که امروز طالبانی و بارزانی در تهران یا اسلامی ها در عراق جای دیگری دور از عراق بودند. استقلال کردستان ناسیونالیسم کرد دارد به سبب همیشه لای شکاف دولت های منطقه، که امروز آمریکا هم به آن اضافه شده، زندگی میکند. این شکاف ها باز و بسته میشوند و همراه آن ناسیونالیسم کرد بالا

خورد. اینبار بر متن نفرت قومی و مذهبی که در تاریخ عراق سابقه نداشته است آنچه که در رواندا اتفاق افتاد در مقابل آنچه که میتواند در عراق اتفاق بیفتد یک بازی کودکانه بیش نخواهد بود. مردم عراق روی یک بمب نشسته اند. بمب نفرت و شکاف قومی و مذهبی. فتیله این بمب دارد به سرعت میسوزد و این بمب دیر یا زود منفجر خواهد شد و همراه آن مردم بسیاری در عراق قربانی خواهند شد. استقلال کردستان یک راه قطع کردن این سیر است. ناسیونالیست های کرد و عرب و جریان های اسلامی، در تعقیب اهداف حقیر خود دارند این آتش را باد میزنند.

حزب کمونیست کارگری عراق و کنگره آزادی عراق تمام تلاش شان را بر تغییر اوضاع به نفع مردم، برای کوتاه کردن دست آمریکا، جریان های اسلامی و ناسیونالیست های کرد و عرب و از زندگی مردم در عراق متمرکز کرده اند. تمام تلاش ما بر قدرتمند کردن مردم و حاکم کردن آنها بر مقدرات و زندگی شان، ایجاد یک قدرت عظیم مردمی برای در هم کوبیدن همه این بازیگران بدبختی مردم عراق متمرکز است. اما زمان به سرعت در حال گذشتن است و کل انتخابات و انتخاب جلال طالبانی به ریاست جمهوری عراق پرده دودی است برای اینکه مردم عراق و دنیا

متوجه فاجعه ای که در حال تکوین است نباشند. **کمونیست: اپوزیسیون راست ایران میگوید، انتخاب طالبانی به نفع قدرت گیری غیر معمم های پرو غرب درون حکومت ایران در انتخابات آتی است، شما چه میگویید؟**

کوروش مدرسی: در غیاب نیرویی نظیر حزب کمونیست کارگری عراق و کنگره آزادی عراق که دست آمریکا و جریانات ناسیونالیست و اسلامی را از زندگی مردم کوتاه کند و روی زمین واقعی با قدرتمند کردن خود و مردم قدرت اینها را محدود نماید، به عکس آنچه که اپوزیسیون راست ایران ادعا میکند، انتخاب طالبانی در عراق پیش در آمد قدرت گیری جریانات اسلامی در آن کشور خواهد بود. تحولی که هر لحظه آن با خون و زجر مردم عراق از عرب و کرد و ترک عجین خواهد بود. این یک دور نمای مهیب در مقابل مردم عراق است. اما اینکه، به عکس عراق، انتخاب طالبانی در انتخابات آتی ایران نتیجه سرکار آمدن یک مکلای اسلامی در مقابل یک نوع معمم آن را دارد دیگر یک خوش خیالی ناشی از استیصال است. اپوزیسیون راست به این امید زنده است که هرچه سریعتر "همتای" خود در دستگاه جمهوری اسلامی را بیابد تا بتواند از طریق آن با دستگاه دولت جمهوری اسلامی به

سازشی برای کنار گذاشتن عنوان جمهوری اسلامی و احیانا چند آخوند و نگاه داشتن کل دستگاه جنایت و دزدی جمهوری اسلامی برسد. اپوزیسیون راست برای حفظ "حکومت نظم و قانون" بر مردم به این دستگاه دولتی حاضر و آماده احتیاج دارد. دیروز امید داشت معمم ها خندان از جنس خاتمی این کار را انجام دهند امروز امیدش را به مکلای های همان جنس بسته است. به اعتقاد من این تصور غلط، مردم فریبانه است. میخواهند به مردم بگویند که شلوق نکنید. دارین همراه آمریکا کاری میکنیم که احتیاج به "زحمت" و "هزینه" شما نداشته باشد. و گرنه بعید است عقل سلیم به پذیرد که درست در حالی که دو خرداد از بین رفته، در حالی که آمریکا در عراق گیر جمهوری اسلامی است و حتی نمیتواند مجبورش کند که دست از تولید سلاح هسته ای بردارد، و در حالی که انتخابات سر هم بندی شده عراق صحنه را به نفع جریانات اسلامی برگردانده است، جمهوری اسلامی به اینها روی خوش نشان بدهد. این ادعای اپوزیسیون راست تحلیل نیست. یک کمپین سیاسی است. کمپینی است برای دور نگاه داشتن مردم از عمل حاد و احیانا دست بردن به قیام، و برای مردم به تن دادن به سیاست انتظاری است که به یک مصیبت همه جانبه برای مردم منجر خواهد شد. ما این وضع را به تفصیل در بیانیه کمیته مرکزی در مورد رفراندم،

کوروش مدرسی: با کمک آمریکا ممکن است بشود خیلی کارها کرد. ممکن است بشود دبیر اول حزب دمکرات کردستان ایران را رئیس جمهور کرد، ممکن است بشود رضا پهلوی را هم شاه اعلام کرد، ممکن است جمهوری مشروطه!! درست کرد. سوال این نیست که چه کسی ممکن است به قدرت برسد. میشود یک بمب اتمی به تهران زد حتما جمهوری اسلامی فوراً تسلیم میشود. سوال این است که سر مردم چه می آید؟ اگر پروژه کسی مثل طالبانی رئیس جمهور شدن و شاه شدن باشد این هم مثل زدن بمب اتمی به تهران راهی است. اما برای مردم قدرت گیری طالبانی بر متن سیه روزی مردم عراق ممکن شده است. ما، در همان بیانیه ای که به در سوال قبل به آن اشاره کردم، توضیح داده ایم که چرا دخالت نظامی آمریکا شیرازه جامعه را در ایران از هم میپاشد. چنین راهی راه عراقیزه کردن ایران است. در این مسیر لابد کسانی به نان و نوایی میرسند، شاه، رئیس جمهور و وزیر و وکیل میشوند. اما این نسخه

بیچاره کردن مردم ایران است. تنها راه در رفتن از فاجعه ای که در کمین مردم ایران نشسته است قیام مردم علیه جمهوری اسلامی و بدست گرفتن سرنوشت خود است.

کمونیست: آیا ریاست جمهوری طالبانی تغییری بر موقعیت کمونیسم کارگری در عراق دارد؟

کوروش مدرسی: بر متن تبلیغات ناسیونالیست های کرد، ممکن است بخشی از مردم کردستان این را پیروزی خود بدانند. یا ناسیونالیست ها بتوانند آنها را قانع کنند که باید همان سیاست زندگی لای شکاف دولت ها را ادامه داد و از "برکات" آن بهره برد و وزیر و کیل شد. طالبانی اوج آرزوی ناسیونالیسم کرد در شریک شدن در قدرت را نمایندگی میکند و امروز بیش از هر کس قهرمان این ناسیونالیسم، بویژه تحصیلکردگان کرد است. اما این موقعیت ناپایدار است و فاجعه در کمین نشسته است. این وضع حتما بر کار حزب کمونیست کارگری عراق تاثیر منفی دارد و کار ما را زیاد میکند. اما این تاثیر میتواند کوتاه مدت باشد. آینده عراق امروز بیش از هر چیز به نتیجه تلاش ما برای سازمان دادن کنگره است. آزادی عراق گره خورده است. این کاری است که به آن مشغولیم.



مردی بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!